

معناشناسی تعبیر «لعلکم+فعل» در آیات قرآن کریم بر اساس نظریه لنگاکر

زهره قربانی مادوانی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۱۱

چکیده

زبان شناسی شناختی بر این باور است که زبان به طور مستقیم مفهوم سازی گوینده را از موقعیت‌ها نشان می‌دهد. لنگاکر به عنوان یکی از نظریه پردازان زبان شناسی شناختی، بیان می‌کند که بر اساس سه اصل، اهمیت، دقت و چشم انداز می‌توان تعبیرهای گوناگون گوینده را مورد پردازش قرار داد. در قرآن کریم نیز اینگونه تعبیر بسیار هستند. در واقع تعبیر گوناگونی که در آیات قرآن به کار رفته‌اند، از لحاظ شناختی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند و معنا سازی خاصی دارند. یکی از آن تعبیر، تعبیر «لعل+فعل» است. در واقع این تعبیر به ما می‌گوید که کدام یک از عنصرهای زبانی آن آیات، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو این مقاله بر آن است تا با کمک این نظریه و بر اساس منهج توصیفی-تحلیلی آیاتی که در بردارنده این تعبیر هستند، را مورد بررسی قرار دهد. نتایج این بررسی نشان داد که افعال موجود در تعبیر «لعل+فعل» در نزد خداوند اهمیت بیش تری نسبت به دیگر عناصر داشته است و از بین دیگر عناصر زبانی، برجسته شده‌اند تا توجه خواننده را به سمت خود جلب کنند. **کلیدواژگان:** لنگاکر، حرف «لعل»، فعل، ترکیب.

مقدمه

در هر موقعیتی که خداوند باری تعالی خواسته است آن را توصیف کند، تنها یک تعبیر مناسب به کار برده است. از جمله این تعبیرها، تعبیر «لعل+فعل» است. نکته جالب توجه در آیاتی که این تعبیر در آن‌ها به کار رفته است، این است که هر یک به فعل خاصی ختم می‌شوند. بنابراین آن فعل از لحاظ شناختی کارکرد ویژه‌ای دارد و برای توصیف یک موقعیت مورد نظر خداوند به کار رفته است، که باید ارتباط آن افعال با بافت آیات کشف شود. در واقع به آیاتی بسیاری برمی‌خوریم که در نگاه اول به نظر می‌آید به فلان فعل نیز می‌توانسته ختم شود، اما نشده است. بنابراین این مقاله در صدد آن است تا بر اساس اصول لنگاکر که مبتنی بر سه مقوله اهمیت، دقت و چشم انداز است و بر اساس منهج توصیفی-تحلیلی آیاتی که در بردارنده تعبیر «لعل+فعل» هستند را مورد بررسی قرار دهد و پاسخی مناسب برای سؤالات زیر بیابد:

- چرا در تعبیر «لعل+فعل» افعال گوناگونی به کار رفته است؟

- این افعال چه کارکردی در بافت آیات دارند؟

اهمیت این پژوهش در آن است که تا کنون هیچ پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است. بنابراین پژوهش حاضر در نوع خود جدید و نو است و می‌تواند راهگشای پژوهشگران و علاقه‌مندان به حوزه مطالعات قرآنی باشد تا دیگر تعبیر موجود در قرآن چون تعبیر «و ذلک...»، «اتقوا الله»، «إن الله+فعل» و دیگر تعبیر را بر اساس نظریات زبان‌شناسی شناختی مورد تحلیل و بررسی قرار دهند.

پیشینه تحقیق

همانطور که گفته شد درباره موضوع مقاله حاضر، تا کنون پژوهشی صورت نگرفته است جز یک مقاله و یک کتاب که به صورت مختصر اشاراتی به این موضوع داشته‌اند: مقاله «زبان‌شناسی شناختی و مطالعات قرآنی» به قلم علیرضا قائمی‌نیا. به صورت گذرا توضیح مختصری درباره نظریه چشم انداز آورده است. و بر این باور است جمله‌هایی که موقعیت واحدی دارند، لزوماً معنای یکسانی افاده نمی‌کنند. کتاب «معناشناسی شناختی قرآن» از علیرضا قائمی‌نیا است. او در بخشی از کتاب خود چند صفحه را به

معرفی مقوله چشم انداز و اصول لنگاکر اختصاص می‌دهد و بر این باور است که در تحلیل چنین آیت‌هایی باید سیاق و بافت، با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد. اما تفاوت کار این مقاله با این کتاب در این است که در این کتاب تنها دو اسم غفور و رحیم آن هم در یک آیه مورد بررسی قرار گرفته است و به دیگر اسامی پرداخته نشده است.

نظریه لنگاکر

یکی از فرضیه‌های اساسی زبان‌شناسی شناختی، به تعبیر لنگاکر، این اصل است که معناشناسی همان مفهوم‌سازی است. مراد از این اصل این است که در معناشناسی باید به دنبال کشف صور گوناگون مفهوم‌سازی در زبان بود. مفهوم‌سازی تعبیری از زبان به وجود می‌آورد (قائمی نیا، ۱۳۹۰: ۸۱). به اعتقاد لنگاکر، فعالیت‌های مهم شناختی را می‌توان با سه اصل تبیین کرد. این اصول عبارت‌اند از اهمیت، دقت و چشم انداز. این اصول نحوه پردازش شناختی تعبیرها را توسط گوینده یا پردازشگر نشان می‌دهند.

۱. اهمیت: اصل اهمیت یکی از سه اصلی است که پردازش شناختی را هدایت می‌کند. بی‌تردید در یک موقعیت گفتاری، برخی از عناصر در نظر گوینده اهمیت بیشتری نسبت به دیگر عناصر پیدا می‌کنند. بر طبق اصل اهمیت این نکته در زبان و کدگذاری زبانی با سازوکارهای شناختی خاصی جلوه می‌کند. به عبارت دیگر با تحلیل شناختی تعبیرهای زبانی درمی‌یابیم که کدام یک از عناصر موقعیت گفتاری در نظر گوینده اهمیت بیشتری دارد.

۲. دقت: اصل دقت، سطحی را تعیین می‌کند که گوینده یا پردازشگر زبانی در آن به ابعاد و جنبه‌های گوناگون موقعیتی از عالم واقع برخورد می‌کند.

۳. چشم انداز: یکی از مهم‌ترین و مشهورترین عملیات تعبیری است. گاهی از آن به عنوان «نگاه به نحوه چینش» یاد می‌شود. به کمک این تعبیر می‌توان تعدادی از پدیده‌ها و تفاوت تعبیرهای زبانی را تبیین کرد.

یکی از مباحث مهم در زبان‌شناسی شناختی، تحلیل شناختی فعل بوده است. زبان‌شناسان شناختی تلاش کرده‌اند تا تحلیل شناختی مناسبی از عناصر زبانی

گوناگون بیابند و بی تردید، فعل از عنصرهای مهم زبان است. از این رو آنان تحلیل‌های شناختی مختلفی از فعل مطرح کرده‌اند. چشم انداز مفهومی شناختی است که کارکرد شناختی ویژه‌ای دارد؛ به ما توجه می‌دهد. چشم اندازی که از آن به یک موقعیت می‌نگریم به این نکته بستگی دارد که کدام چیز توجه ما را جلب کرده است. هنگامی که می‌خواهیم توجه شنونده را به سوی خریدار جلب کنیم، از فعل «خرید» و هنگامی که می‌خواهیم توجه او را به سوی فروشنده جلب کنیم از فعل «فروخت» استفاده می‌کنیم. در نتیجه نقش شناختی فعل، جهت دادن به توجه شنونده است و نشان می‌دهد کدام یک از عنصرهای قالب در کانون توجه قرار گرفته‌اند (همان: ۱۱۸-۱۲۲).

هر جمله، چشم انداز شناختی خاصی را نسبت به یک موقعیت از راه انتخاب فعل و الگوی نحوی خاص به وجود می‌آورد. هر جمله با گزینش فعل و الگوی نحوی خاص، چشم انداز ویژه‌ای را نسبت به موقعیت مورد نظر فراهم می‌آورد. از این رو فعل، نقش و کارکرد شناختی خاصی دارد و به توجه مخاطب جهت می‌دهد. در موقعیت‌های مختلف عنصر خاصی از قالب اهمیت پیدا می‌کند و به همین دلیل، فعل متناسب با آن موقعیت به کار می‌رود که توجه مخاطب را به عنصر مورد نظر معطوف می‌سازد (همان: ۱۲۶). در واقع تعبیرهای زبانی نشان می‌دهند که متکلم کدام عنصرها را از موقعیت مورد نظر برگزیده است، چیزی که برگزید می‌شود، در قلمرو توجه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر آن چیز در محدوده توجه قرار گرفته است و در دسترس توجه قرار دارد (همان: ۸۴).

اصول لنگاکر و تحلیل آیات

﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (الحشر/ ۲۱)

«اگر ما این قرآن (عظیم الشان) را (به جای دل‌های خلق) بر کوه نازل می‌کردیم مشاهده می‌کردی که کوه از ترس و عظمت خدا خاشع و ذلیل و متلاشی می‌گشت. و این امثال را برای مردم بیان می‌کنیم باشد که اهل (عقل و) فکرت شوند»

ساختار «لعلکم یتفکرون» در کانون توجه متکلم قرار دارد و خداوند از طریق برجسته کردن فعل «یتفکرون» خواسته است تا بافت آیه را برای تفکر بندگان فراهم کند و به آنان بفهماند که آنچه در بافت این آیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مسأله تفکر است و مخاطب باید با این چشم انداز به این آیه نگاه کند. از همین رو است که در این آیه از مسأله‌ای سخن می‌گوید که در راستای روشن کردن نور تفکر در بندگان است و آن، خشوع کوه از ترس الهی با نزول قرآن بر آن است.

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (الجمعة/ ۱۰)

«پس آنگاه که نماز پایان یافت (بعد از ظهر جمعه باز در پی کسب و کار خود رفته و) روی زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا (روزی) طلبید، و یاد خدا بسیار کنید تا مگر رستگار و سعادت‌مند گردید»

در این آیه خداوند با مهیا کردن بافت آیه و سخن درباره ذکر و یاد بسیار او، خواسته است چشم انداز خود را به دریچه «تفلیحون» باز کند و به مخاطب مسأله رستگاری را در کانون توجه قرار دهد. و از همین روست که در بافت آیه از ذکر و یاد خداوند سخن به میان آورده است تا بگوید با یاد خدا می‌توان به رستگاری رسید.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (البقره/ ۲۱)

«ای مردم، بپرستید خدایی را که آفریننده شما و پیشینیان شماست، باشد که پارسا و منزه شوید»

آنچه که در این آیه از اهمیت والائی برخوردار است و در کانون توجه و دقت متکلم قرار داشته است، تعبیر «لعلکم تتقون» است. در واقع خداوند متعال با امر کردن بندگان به عبادت می‌خواهد که آنان را به سوی حفاظت و ایمن بودن رهنمون کند و شرط این ایمن بودن را عبادت قرار می‌دهد و از همین روست که در بافت آیه از عبادت و در پایان ایه از تقوای الهی سخن به میان آورده است.

﴿ثُمَّ عَمَوْنَا عَنكُم مِّن بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ ﴿وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (البقره/ ۵۲-۵۳)

﴿ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (البقره/ ۵۶)

«آنگاه شما را پس از چنین کار زشت بخشیدیم، شاید سپاسگزار شوید. و (به یاد آورید) وقتی که به موسی کتاب و فرقان عطا کردیم، باشد که به راه حق هدایت یابید»

«سپس شما را بعد از مرگ برانگیختیم شاید خدا را شکر گزارید»

در آیه اول خداوند از بخشش بندگانی حرف می‌زند که در غیبت حضرت موسی(ع)، گوساله پرستی اختیار کرده‌اند، و آیه را با تعبیر «لعلکم تشکرون» به پایان می‌رساند. در واقع آنچه که حائز اهمیت است و روی آن چشم انداز صورت گرفته است، مسأله شکرگزاری بندگان از خداوند متعال است و برای رهنمون کردن آنان به این مسأله از یک سو از تعبیر «لعل+فعل» استفاده می‌کند و از سوی دیگر بخشش آنان را پیش می‌کشد تا در پی آن به شکر و سپاس خداوند روی آورند. و در ادامه از وسیله هدایت مردم سخن می‌گوید اینکه کتاب و فرقان به حضرت موسی(ع) داده شد تا با آن، مردم را به سمت خدا هدایت کند. در اینجا نیز مسأله هدایت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و با اختیار این ساختار خواسته است آن را در دید بندگان بزرگ جلوه دهد و از آنان بخواهد از دریچه این چشم انداز به آن نگاه کنند. در واقع آنچه که باعث هدایت بندگان در این دنیا می‌شود، این کتاب آسمانی و عمل به آیات آن است. خداوند در آیه آخر از زنده شدن مردگان بعد از مرگ سخن می‌گوید و آیه را با تعبیر «لعلکم تشکرون» به پایان می‌رساند. در واقع حیات دوباره یافتن، از جمله نعمت‌های الهی است که شایسته تشکر و سپاس از باری تعالی است. از همین روی است که آیه با فعل «تشکرون» خاتمه داده است. بنابراین آنچه برای خداوند در بافت این آیه حائز اهمیت است و باید از دریچه آن به بافت این آیه توجه شود، مسأله شکر و سپاسگزاری از خداوند باری تعالی است.

﴿فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِعُضْوِهَا كَذَلِكَ بُوْحِيَ اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (البقرة/۷۳)

«پس دستور دادیم بعضی از اعضاء گاو را بر بدن کشته زنید (تا زنده شود و قاتل را معرفی کند). اینگونه خداوند مردگان را زنده خواهد فرمود، و قدرت کامله خویش را به شما آشکار می‌نماید، باشد که عقل خود را به کار برید»

خداوند از زنده کردن مردگان و نشان دادن نشانه‌ها و آیاتش سخن می‌گوید تا در پایان آیه بر مسأله تعقل تأکید کند. در واقع آنچه که در این آیه از اهمیت ویژه‌ای

برخوردار است و بر مخاطب است که از این دریچه به آن نگاه کند، همین تعقل و خردورزی است که با مطرح شدن مسأله زنده شدن مردگان، بر آن تأکید فراوان شده است. در واقع یکی از مسائلی که انسان را به تعقل وامی‌دارد، حیات دوباره مردگان است.

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهَدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾
(البقرة/ ۱۸۵)

«ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده برای هدایت بشر و برای راهنمایی و امتیاز حق از باطل، پس هر که دریا بد ماه رمضان را باید آن را روزه بدارد، و هر که ناخوش یا در سفر باشد (به شماره آنچه روزه خورده است) از ماه‌های دیگر روزه دارد، که خداوند برای شما حکم را آسان خواسته و تکلیف را مشکل نگرفته، و خواسته تا اینکه عدد روزه را تکمیل کرده و خدا را به عظمت یاد کنید که شما را هدایت فرمود، باشد که (از این نعمت بزرگ) سپاسگزار شوید»

خداوند در این آیه از ماه رمضان و فوائد آن از جمله هدایت مردم سخن می‌گوید تا زمینه‌ای باشد برای شکر. در واقع او می‌خواهد بر شکر بندگان تأکید کند و آنان را به این امر تشویق نماید. از همین رو مسأله رمضان و فوائد آن را به عنوان یکی از نمونه‌های رحمت الهی که شایسته شکر و سپاس است، پیش می‌کشد.

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ﴾
(البقرة/ ۲۱۹)

«ای پیغمبر! از تو از حکم شراب و قمار می‌پرسند، بگو: در این دو کار گناه بزرگی است و سودهایی برای مردم، ولی زیان گناه آن دو بیش از منفعت آنهاست. و نیز سؤال کنند تو را که چه در راه خدا انفاق کنند؟ جواب ده: آنچه زائد (بر ضروری زندگانی) است. خداوند بدین روشنی آیات خود را برای شما بیان کند، باشد که تفکر نموده و عقل خود به کار بندید»

یکی از مسائلی که انسان را به تفکر دعوت می‌کند، سؤال است در واقع انسان وقتی مورد سؤال قرار می‌گیرد، برای رسیدن به جواب، به تفکر می‌نشیند. از همین روست که خداوند در بافت این آیه دو بار کلمه سؤال پرسیدن را تکرار می‌کند تا به مسأله‌ای که مد نظر اوست، یعنی خرد و تفکر ورزی برسد.

﴿كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (البقرة/۲۴۲)

«خدا آیات خود را برای شما اینگونه روشن بیان می‌کند، شاید خردمندی کنید»

یکی از راه‌های خردورزی و تعقل، تبیین آیات و نشانه‌های الهی است و از همین روست که در آغاز آیه از مسأله تبیین آیات و در آخر به مسأله عقل رسیده است.

﴿أَيُّدٌ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضَعْفَاءٌ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ﴾ (البقرة/۲۶۶)

«آیا هیچ یک از شما خواهد که او را باغی باشد از درخت خرما و انگور و زیر آن درختان جوی‌های روان، و در آن هرگونه میوه موجود باشد، آنگاه ضعف و پیری بدو فرا رسد و او را فرزندان خرد و ناتوان باشد، پس در باغ او بادی آتشبار افتد و همه بسوزد؟ (حال کسی که به ریا انفاق کند بدین ماند). خداوند آیات خود را برای شما این چنین روشن بیان کند، باشد که (در مآل کارها و حقیقت احوال) فکر کنید»

در این آیه برای آنکه خداوند بر مسأله تفکر و خردورزی تأکید کند و به مخاطب اهمیت این مسأله را گوشزد نماید، بافت آیه را با پرسش شروع کرده است؛ چراکه پرسش یکی از راه‌های مهم در بیدار کردن روحیه تفکر در انسان است.

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (آل عمران/۱۰۳)

«وهمگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های

شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. بدین گونه خدا آیاتش را برای راهنمایی) شما بیان می کند، باشد که هدایت شوید»

خداوند با زمینه سازی بافت آیه، و سخن گفتن از اموری چون چنگ زدن به ریسمان الهی، ذکر نعمت او، الفت بین قلبها و... مخاطب را به فعل «تهتدون» می کشاند تا به او بفهماند که از دریچه و چشم انداز هدایت باید به عناصر و امور مطرح شده در آیه نگاه کند. در واقع آنچه که برای او حائز اهمیت بوده و در کانون توجه قرار گرفته است، همین فعل هدایت شدن است و از همین روست که در این مورد فعل «تهتدون» به کار رفته است و با اموری که در بافت آیه از آنان سخن گفته است می توان به فعل هدایت رهنمون شد.

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۲۳)

«و خدا شما را در جنگ بدر یاری کرد با آنکه ضعیف بودید. پس پرهیزکار شوید، باشد که شکر نعمت های او به جای آرید»

در این آیه خداوند با زمینه سازی درباره یاری کردن آنها به پیروزی از آنان می خواهد به مسأله شکر چشم دوزند و از همین روی است که از یکی از نعمت های بر بندگان پرده برمی دارد تا آنان را به شکر نعمت های تشویق کند و برای آنکه مسأله شکر را در کانون توجه قرار دهد از تعبیر «لعلکم تشکرون» کمک می گیرد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۳۰-۱۳۱)

«ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا نخورید که دائم سود بر سرمایه افزایش تا چند برابر شود، و از خدا بترسید، باشد که رستگاری یابید. و از خدا و رسول او فرمان برید، باشد که مشمول لطف و رحمت خدا شوید»

خداوند مسأله رستگاری شدن را در گرو نخوردن ربا قرار داده است. در واقع یکی از راه های رسیدن به رستگاری این است که انسان از ربا پرهیز و تقوای الهی پیشه کند. بنابراین آنچه که در کانون توجه قرار می گیرد همین فعل رستگاری شدن است که در تعبیر «لعل+فعل» برجسته شده است. در آیه بعد خداوند رحمت الهی را با اطاعت از او و

رسولش همراه کرده است تا به این مسأله مهم برسد و آن اینکه زمانی انسان، مورد رحمت خداوند قرار می‌گیرد که از او و رسولش پیروی کرده باشد. در واقع پایان این آیه می‌توانست فعل «تهتدون» و یا «تفلحون» و یا هر فعل دیگری باشد اما خداوند از میان تمامی افعال، تنها فعل «ترحمون» را گزینش کرده است تا به مخاطبان و بندگان خود بفهماند که مسأله مهم مورد رحمت قرار گرفتن است که با خود معانی‌ای چون رستگاری و هدایت شدن و... را نیز دارد. در واقع فردی که مورد رحمت الهی قرار می‌گیرد، به همه چیز دست می‌یابد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران / ۲۰۰)

«ای اهل ایمان، (در کار دین) صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید، باشد که فیروز و رستگار گردید»

در این آیه خداوند از بندگان خود می‌خواهد که صبر پیشه کنند و تقوای الهی داشته باشند تا به رستگاری برسند. در واقع کلید واژه اصلی و با اهمیت این آیه، همان رستگاری است که در آخر آیه قرار داده شده است و آنچه که برای خداوند حائز اهمیت است، همین مسأله رستگاری است. که باعث شده است در بافت آیه از موضوعاتی سخن بگوید که به مسأله رستگاری ختم می‌شود.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (المائدة / ۶)

«ای اهل ایمان، چون خواهید برای نماز برخیزید صورت و دست‌ها را تا مرفق (آرنج) بشویید و سر و پاها را تا برآمدگی پا مسح کنید، و اگر جنب هستید پاکیزه شوید (غسل کنید) و اگر بیمار یا مسافرید یا یکی از شما را قضاء حاجتی دست داده و یا با زنان مباشرت کرده‌اید و آب نیابید در این

صورت به خاک پاک و پاکیزه‌ای روی آرید و به آن خاک صورت و دست‌ها را مسح کنید (تیمم کنید). خدا نمی‌خواهد هیچ‌گونه سختی برای شما قرار دهد، و لیکن می‌خواهد تا شما را پاکیزه گرداند و نعمت خود را بر شما تمام کند، باشد که شکر او به جای آرید»

در این آیه از تطهیر بندگان و تمام کردن نعمت بر آنان سخن به میان آمده است که یکی از فضائل و نعمت‌های الهی بر بندگان است و مستلزم شکر می‌باشد. از همین روست که پایان آیه به فعل «تشکرون» خاتمه یافته است. در واقع آنچه طبق دیدگاه لنگاکر در این آیه باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد، این است که چینش کلمات حائز اهمیت است و فعل شکرگزاری در کانون توجه متکلم قرار داشته است؛ چراکه آیه می‌توانست به هر فعل دیگری ختم شود، اما این فعل گزینش شده است تا بر اهمیت آن بیفزاید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾
(المائدة/ ۳۵)

«ای اهل ایمان، از خدا بترسید و به سوی او وسیله جویید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید»

در بافت این آیه راه‌هایی که به رستگاری ختم می‌شود، را برشمرده است که در مرتبه اول باید تقوای الهی پیشه کرد سپس در راه او جهاد کرد و در آخر به رستگاری نائل شد. بنابراین خداوند از بندگان می‌خواهد که رستگاری را در کانون توجه خود قرار دهند و از دریچه این فعل به بافت آیه نگاه کنند؛ چراکه همین فعل رستگاری مورد توجه و اهتمام متکلم قرار داشته است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (المائدة/ ۹۰)

«ای اهل ایمان، شراب و قمار و بت‌پرستی و تیرهای گروپندی همه این‌ها پلید و از عمل شیطان است، از آن البته دوری کنید تا رستگار شوید»

دوری جستن از پلیدی‌ها از جمله شراب و قمار یکی از راه‌های رسیدن به رستگاری است. در واقع آنچه که برای خداوند حائز اهمیت بوده است، مسأله رستگاری است و از همین روست که آیه را با آن به پایان رسانده است.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ﴾ (الأنعام/ ۴۲)

«و همانا ما پیغمبرانی به سوی امتان پیش از تو فرستادیم، پس (چون اطاعت نکردند) به بلاها و مصیبت‌ها گرفتارشان ساختیم، شاید به درگاه خدا گریه و زاری کنند»

معمولاً تضرع و ناله به درگاه الهی زمانی صورت می‌گیرد که انسان به مصیبت دچار شود. در غیر این صورت جز بندگان مؤمن، برای دیگر بندگان کم پیش می‌آید که بدون هیچ درخواست و مصیبتی به درگاه او تضرع و ناله کنند. بنابراین خداوند بافت آیه را به گونه‌ای ترسیم کرده است تا به آنچه که مورد توجه او بوده است برسد و آن مسأله تضرع و ناله به درگاه اوست.

﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَاءَ تَكْمُرُ بِهِ إِسَاءُ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾ (الأعراف/ ۲۶)

«ای فرزندان آدم، محققاً ما لباسی که ستر عورات شما کند و جامه‌هایی که به آن تن را بیارایید برای شما فرستادیم، و لباس تقوا نیکوترین جامه است. این سخنان همه از آیات خداست (که به بندگان فرستادیم) شاید خدا را یاد آرند»

در این آیه خداوند برای در چشم انداز قرار دادن مسأله یادآوری و تذکر، مسأله‌ای را به یاد او می‌آورد تا او به او هشدار دهد که حتی لباسی که با آن بدی‌های خود را بپوشاند، از طرف خدا نازل شده است، شاید که او به خود بیاید و به سمت او بازگردد.

﴿وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (الأعراف/ ۵۷)

«و او خدایی است که بادهای را به بشارت باران رحمت خویش در پیش فرستد، تا چون بار ابرهای سنگین را بر دارند ما آن‌ها را به شهر و دیاری که (از بی آبی) مرده است برانیم و بدان سبب باران فرو فرستیم و هرگونه ثمر و

حاصل از آن بر آوریم، همینگونه مردگان را هم از خاک برانگیزیم، باشد که (بر احوال قیامت خود) متذکر گردید»

خداوند در این آیه به ارسال باد و نزول باران از آسمان و ایجاد میوه و همچنین زنده کردن مردگان اشاره کرده است. اشاره به این امور بدین علت صورت گرفته است که به آنان تذکر و هشدار دهد تا به خود بیایند و در مسیر الهی قرار بگیرند. و از همین جهت است که با فعل «تذکرون» خاتمه یافته است و به مخاطب نشان دهد که این فعل برای او حائز اهمیت بوده است و باید از دریچه این فعل به عناصر مطرح شده در آیه نگریسته شود.

﴿أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَأَذِكُرُوا إِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَرَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (الأعراف/۶۹)

«آیا تعجب کرده‌اید که مردی از جانب خدا به یادآوری شما فرستاده شده تا شما را (از هول و عذاب قیامت) بترساند؟ و متذکر باشید که خدا شما را پس از هلاک قوم نوح جانشین آن گروه کرد و در خلقت (و نعمت) شما بیفزود، پس انواع نعمت‌های خدا را به یاد آرید، شاید که رستگار شوید»

خداوند در این آیه یادآوری نعمت‌هایش را در گرو رستگاری قرار داده است. در واقع خداوند در بیش‌تر آیات نعمتی از نعمت‌هایش را برای بندگان مطرح می‌کند و آنان را به شکر و سپاس فرا می‌خواند. اما در اینجا این یادآوری نعمت را به صورت کلی مطرح می‌کند و به نعمت مشخصی اشاره نمی‌کند بلکه کلمه نعمت را به صورت جمع (آلاء) می‌آورد تا با ذکر همه آن نعمت‌ها و سپاسی که بندگان در قبال آن‌ها انجام دادند، به نتیجه آن برسند که همان دستیابی به رستگاری است.

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأَخِي الَّذِي يُوْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (الأعراف/۱۵۸)

«ای رسول ما به خلق) بگو که من بر همه شما جنس بشر رسول خدایم، آن خدایی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست، هیچ خدایی جز او نیست که زنده می‌کند و می‌میراند، پس باید ایمان به خدا آرید و هم به

رسول او پیغمبر امّی (که از هیچ کس جز خدا تعلیم نگرفته) آن پیغمبری که بس به خدا و سخنان او ایمان دارد، و پیرو او شوید، باشد که هدایت یابید»

در بافت آیه به توصیف خداوند پرداخته شده است، خدائی که می‌میراند و زنده می‌کند و در ادامه از بندگان خواسته می‌شود که به این خدا و رسولش ایمان بیاورند تا که به هدایت برسند. در واقع اهمیت این فعل در آخر آیه از این جهت است که کسانی می‌تواند به هدایت الهی برسند که از او و رسولش پیروی کنند. لازم به ذکر است که در آیه ۱۳۲ آل عمران خداوند از بندگان خود می‌خواهد تا از او و رسولش اطاعت کنند تا به رحمت برسند اما در این آیه به آنان وعده هدایت را می‌دهد. در واقع مسأله هدایت بعد از رحمت الهی واقع می‌شود و از همین روست که در آل عمران که قبل از سوره اعراف قرار دارد، ابتدا مسأله رحمت را مطرح می‌کند و وقتی به سوره اعراف می‌رسد، مسأله هدایت را پیش می‌کشد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيئْتُمْ فَتَنَةً فَاتَّبِعُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (الأنفال/۴۵)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه با فوجی (از دشمن) مقابل شدید پایداری کنید و خدا را پیوسته یاد آرید، باشد که فیروزمند و فاتح گردید»
خداوند در بافت این آیه بر فعل رستگار شدن تأکید دارد و از مخاطب می‌خواهد از دریچه این فعل به آیه نگاه کنند. در واقع اهمیت این فعل آنجا مشخص می‌شود که با یاد خدا و ذکر بسیار او می‌توان به رستگاری رسید.

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (النحل/۷۸)

و خدا شما را از بطن مادران بیرون آورد در حالی که هیچ نمی‌دانستید و به شما گوش و چشم و قلب اعطا کرد تا مگر (دانا شوید و) شکر (این نعمت‌ها) به جای آرید»

در بافت آیه خداوند نعمت‌هایی را برای بندگان برمی‌شمارد که مستلزم شکر اوست. اینکه انسان را از شکم مادرش خلق کرد و برای او گوش و چشم و دل قرار داد. در واقع قرار دادن گوش و چشم و دل، یعنی تمام عناصر مهمی که یک انسان با آن می‌تواند

مهم‌ترین کارهایش را انجام دهد و از همین روست که آیه را با فعل «تشکرون» خاتمه داده است تا به مخاطب بگوید آنچه برای من حائز اهمیت است و در کانون توجه قرار می‌گیرد، مسأله شکرگزاری است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾
(الحج/۷۷)

«ای اهل ایمان، در برابر خدا رکوع و سجود آرید و (با توجه و بی‌ریا و خالص) پروردگار خود را پرستید و کار نیکو کنید، باشد که رستگار شوید» خداوند در بافت این آیه از اموری چون رکوع و سجود و عبادت خداوند و انجام کار خیر سخن به میان آورده است. و خداوند این دستورات را به کسی عرضه می‌دارد که می‌خواهند رستگار شوند. در نتیجه در این مورد فعل «تفلیحون» را به کار برده است.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ﴾ (المؤمنون/۴۹)

«و همانا ما به موسی کتاب تورات را فرستادیم، باشد که آن‌ها هدایت شوند» خداوند کتاب را به حضرت موسی(ع) می‌سپارد تا به وسیله آن در جهت هدایت بندگان گام بردارد و از آن کمک گیرد و از همین روست که فعل «یهتدون» به کار رفته است.

﴿سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (النور/۱)

«این سوره را فرستادیم و (احکامش را) فریضه (بندگان) کردیم و در آن آیات روشن (توحید و معارف و احکام الهی) نازل ساختیم، باشد که شما متذکر (آن حقایق) شوید»

خداوند در بافت این آیه از نازل سوره و نزول آیات بر بندگان سخن می‌گوید و آیه را با تعبیر «لعلکم تذکرون» خاتمه می‌دهد تا از طریق یادآوری نزول آیات و سوره‌های قرآن، پرده غفلت را از دیدگان آن‌ها بردارد تا به خود بیایند و پند گیرند و به آیات و دستورات او عمل نمایند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (النور/۲۷)

«ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبش انس و اجازه ندارید وارد نشوید و (چون رخصت یافته و داخل شوید) به اهل آن خانه نخست سلام کنید که این (ورود با اجازه و تحیت، برای حسن معاشرت و ادب انسانیت) شما را بسی بهتر است، باشد که متذکر (شئون یکدیگر و حافظ آداب رفاقت) شوید»

آیه با فعل «تذکرون» خاتمه یافته است. این فعل با عنصرهایی که در آیه به کار رفته‌اند، ارتباط دارد در آیه از این نکته سخن به میان آمده است که بی اجازه و بدون سلام به خانه‌ای وارد نشوید. که این امر از جهت تذکر و یادآوری آمده است و نشان می‌دهد که باید از دریچه این فعل و از چشم انداز تذکر به آن امور نگریست.

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (النور/۵۶)

«و نماز را به پا دارید و زکات بدهید و رسول ما را اطاعت کنید، باشد که مورد لطف و رحمت شوید»

فعل «ترحمون» نسبت به عناصری که در بافت آیه مطرح شده است، چشم انداز خاصی را فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که از اموری سخن به میان آمده است که در جهت رحمت است و به آن ختم می‌شود. در واقع نماز به پاداشتن، زکات دادن و اطاعت از رسول اموری هستند که زمینه را برای مورد رحمت واقع شدن بنده فراهم می‌کنند.

﴿وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

(القصص/۷۳)

«یکی از (هزاران لطف و) رحمت‌های خدا آن است که شب و روز را برای شما قرار داده تا در شب آرام گیرید و در روز از فضل خدا (یعنی روزی) طلب کنید، و باشد که شکرگزار (نعمت‌های خدا) شوید»

در این آیه خداوند از خلقت شب و روز و فوائد این دو سخن می‌گوید که از نعمت‌های او بر بندگان و مستلزم شکر هستند.

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ

ثُمَّ لَتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يَسُوףُ مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجْلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾

(غافر/۶۷)

«اوست خدایی که شما را از خاک (ناچیز) بیافرید و سپس از قطره آب نطفه و آنگاه از خون بسته علقه، پس شما را (از رحم مادر) طفلی بیرون آورد تا آنکه به سنّ رشد و کمال برسید و باز پیری سالخورده شوید و برخی از شما پیش از سنّ پیری وفات کنند و تا همه به اجلی معین برسید و (این چنین کردیم تا) مگر (قدرت خدا را) تعقل کنید»

در این آیه خداوند مراحل مختلف خلقت انسان را مطرح می‌کند تا با این زمینه چینی او را به مسأله تعقل و تعمق در این امر تشویق کند و بر این موضوع تأکید ورزد که مسأله مهم در بافت این آیه، تعقل است و از بندگان می‌خواهد مسأله تعقل را در کانون توجه خود قرار دهند.

﴿وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ۗ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (الزخرف/ ۹-۱۰)

«همان خدایی که زمین را مهد آسایش شما بندگان قرار داد و در آن راهها بر (تحصیل امر معاش و معاد) شما پدید آورد تا مگر هدایت یابید»

آنچه که در این آیه بر آن تأکید شده است و حائز اهمیت است، مسأله هدایت می‌باشد و برای دست یافتن به این مهم، مسأله‌ای را مطرح می‌کند و آن مسأله گهواره بودن زمین و قرار دادن راههایی در آن به جهت هدایت است.

﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (الذاریات/ ۴۹)

«و از هر چیزی دو نوع (نر و ماده) بیافریدیم تا مگر متذکر (حکمت خدا) شوید»

مسأله زوجیت نیز یکی دیگر از مسائلی است که انسان را به تفکر تشویق می‌کند و از همین روست که در تعبیر پایانی آیه فعل «تذکرون» برجسته شده است.

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (الحديد/ ۱۷)

«بدانید که خداست که زمین را پس از مرگ (خزان) زنده می‌گرداند. ما آیات و ادله (قدرت خود) را برای شما بیان کردیم تا مگر فکر و عقل به کار بندید»

یکی از مسائلی که انسان را به تعقل و می‌دارد مسأله زنده شدن مردگان است. خداوند با مطرح کردن این مسأله در ابتدای آیه او را به مسأله تعقل در انتهای آیه تشویق می‌کند تا بر این فعل تأکید کند و از مخاطب بخواهد از این دریچه و با این چشم‌انداز به آیه نگاه کنند.

﴿لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (الحشر/ ۲۱)

«اگر ما این قرآن (عظیم الشان) را (به جای دل‌های خلق) بر کوه نازل می‌کردیم مشاهده می‌کردی که کوه از ترس و عظمت خدا خاشع و ذلیل و متلاشی می‌گشت. و این امثال را برای مردم بیان می‌کنیم باشد که اهل (عقل و) فکرت شوند»

در این آیه خداوند از نازل شدن قرآن بر کوه و خشوع کردن آن سخن می‌گوید تا مخاطب را به تفکر وادارد و از همین روست که آیه با فعل «یتذکرون» خاتمه یافته است.

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نُرْزِقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذِكْرُكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ ﴿۱۵۱﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذِكْرُكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۱۵۲﴾ وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذِكْرُكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (الأنعام/ ۱۵۱-۱۵۳)

«بگو: بیایید تا آنچه خدا بر شما حرام کرده همه را بر شما بخوانم، و آن اینکه به هیچ وجه شرک به خدا نیاورید، و به پدر و مادر احسان کنید، و دیگر اولاد خود را از بیم فقر نکشید، ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم، و دیگر به کارهای زشت آشکار و نهان نزدیک نشوید و نفسی را که خدا حرام کرده (محترم شمرده) جز به حق به قتل نرسانید. خدا شما را به این اندرزها سفارش نموده، باشد که تعقل کنید. و هرگز به مال یتیم نزدیک نشوید جز

به آن وجه که نیکوتر است تا آنکه به حدّ رشد و کمال رسد. و به راستی و عدالت، کیل و وزن را تمام بدهید. ما هیچ کس را جز به قدر توانایی او تکلیف نکرده‌ایم. و هرگاه سخنی گوئید به عدالت گرایید هرچند درباره خویشاوندان باشد، و به عهد خود وفا کنید. این است سفارش خدا به شما، باشد که متذکر و هوشمند شوید. و این است راه راست من، از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر که موجب تفرقه شما از راه اوست متابعت نکنید. این است سفارش خدا به شما، شاید پرهیزکار شوید»

در آیه اول خداوند از اموری چون شریک نداشتن خداوند و احسان به والدین و نکشتن فرزندان از فقر و نزدیک شدن به بدی‌ها و... سخن می‌گوید تا آنان را به تعقل و تعمق در این امور وادارد و از همین روست که آخر آیه را با فعل «تعقلون» به پایان می‌رساند. در واقع آنچه که برای او در این آیه و بافت آن حائز اهمیت است، مسأله تعقل است. و در آیه بعد نیز اموری را به بندگان گوشزد می‌کند تا به آنان تذکر و هشدار دهد. در واقع سه مسأله مهم در بافت این آیه است که برای خداوند حائز اهمیت است و بر آن تأکید دارد و آن مال یتیم و عدالت در ترازو و وفای به عهد با اوست و در آخر از قرار گرفتن در مسیر مستقیمش سخن می‌گوید تا در امان باشند و تحت پوشش الهی قرار گیرند و از همین روست که بر تقوا در آخر آیه تأکید می‌کند و از بندگان می‌خواهد از این دریچه به آیه نگاه کنند و بر این مسأله تأکید ورزند. در واقع مسأله تعقل و تذکر انسان را به تقوای الهی رهنمون می‌کنند و بدین علت است که تقوای الهی بعد از تعقل و تذکر مطرح شده است.

﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (الأعراف/ ۲۰۴)

«و چون قرآن قرائت شود همه گوش بدان فرا دهید و سکوت کنید، باشد که مورد لطف و رحمت حق شوید»

ارتباطی که بین ابتدای این آیه و پایان آن برقرار است، این است که قرائت قرآن و گوش دادن به آن باعث رحمت می‌شود. از همین روست که بر فعل «ترحمون» تأکید شده است و این نکته مهم را به بندگان گوشزد می‌کند که مهم‌ترین و با اهمیت‌ترین فایده قرائت قرآن و گوش دادن به آیات آن، مورد رحمت واقع شدن است.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ
يَعْظُمُ لِعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (النحل/ ۹۰)

«همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بذل و عطاء خویشاوندان امر می‌کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می‌کند و به شما پند می‌دهد، باشد که موعظه خدا را بپذیرید»

در این آیه خداوند از اموری سخن می‌گوید که همه در راستای پند و نصیحت به بندگان و هشدار به آنهاست برای نمونه آنها را به عدل و احسان فرا می‌خواند و از افعال زشت و منکر باز می‌دارد. از همین رو از مخاطب می‌خواهد به این امور با چشم‌انداز فعل «تذکرون» بنگرد.

﴿اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾
(الجاثية/ ۱۲)

«خداست آن که برای شما دریا را مسخر گردانید تا کشتی به امر او (آسان) در آب جاری شود و از آن (به تجارت و سفر) از فضل خدا (روزی) طلبید و باشد که شکر نعمتش به جای آرید»

خداوند در این آیه از اموری چون تسخیر دریا و حرکت کشتی در روی آن و از برکت دریا سخن می‌گوید که همه از نعمت‌های الهی در حق بندگان شمرده می‌شود پس شایسته است که بندگان شکرگزار این نعمت‌ها باشند. از همین رو است که آیه با فعل «تشکرون» به پایان رسیده است تا بر آنچه که برای خداوند از دقت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، تأکید کند و به بندگان بفهماند که باید از چشم‌انداز این فعل به آیه نگاه کنند.

نتیجه بحث

پس از بررسی تمامی آیات که در این مقاله به دلیل محدودیت واژگان تنها به برخی از آنها برای نمونه اشاره شد، نتایج زیر به دست آمد:

دلیل اینکه در تعبیر «لعل+فعل» افعال گوناگونی به کار رفته است، این است که هر یک از این افعال برای یک موقعیت و یک بافت مناسب خود هماهنگی دارد؛ به گونه‌ای

که هر بافت یک فعل مخصوص به خود را می‌طلبد که خداوند از طریق گزینش آن فعل خواسته است توجه بندگان خود را به آن افعال جلب کند و به آنان بفهماند که باید از دریچه و چشم انداز آن افعال به بافت آن آیه بنگرند. در واقع این افعال و این تعبیر در پایان آیات، نکته کلیدی و مفهوم اساسی آن آیات هستند و برای خداوند باری تعالی از درجه اهمیت و دقت والائی برخوردار بوده‌اند، که از بین صدها فعل و صدها واژه دیگر، گلچین شده‌اند.

آیاتی که بافت آن‌ها راجع به توصیف نعمت‌های الهی است در پایان آیات از تعبیر «لعل+تشکرون»، و آیاتی که بافت آن‌ها راجع به عمل به دستورات الهی است از تعبیر «لعل+ترحمون و یا «لعل+تفلحون»» و آیاتی که از زنده شدن مردگان سخن به میان آمده است، از تعبیر «لعل+تعقلون» استفاده شده است تا بندگان را به تعقل و خردورزی تشویق نماید. البته ناگفته نماند که سخن از حیات دوباره آنجا که در کنار دیگر نعمت‌های الهی قرار گیرد، پایان آیه، تعبیر «لعلکم تشکرون» آمده است؛ چراکه حیات دوباره یافتن نعمتی از نعمت‌های الهی به حساب می‌آید که مستلزم شکر است و آنجا که خداوند می‌خواهد نور عقل و خرد را در انسان زنده گرداند از تعبیر «لعلکم تعقلون» بهره جسته است. همچنین آیاتی که بافت آن‌ها درباره سؤال و پرسش است، از تعبیر «لعل+تتفكرون» استفاده شده است تا از طریق سؤال، انسان را به تفکر وادارد و آیاتی که در آن‌ها از تبیین آیات سخن به میان آمده است از تعبیر «لعلکم تعقلون» استفاده شده است تا با تعمق در آیات، نور عقل و خرد و اندیشه در بندگان بارور شود و همینگونه است دیگر تعابیر و بافت‌ها. از این رو اینگونه استنتاج می‌شود که هر بافت، تعبیر مخصوص به خود دارد و در آن تعبیر، یک عنصر از اهمیت و دقت بیشتری برخوردار بوده و در کانون توجه قرار گرفته است.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابوزید، نصر حامد. ۱۳۸۹ش، **معنای متن**، ترجمه مرتضی کریمی نیا، تهران: طرح نو.
افراشی، آزیتا. ۱۳۹۵ش، **مبانی معناشناسی شناختی**، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

الهی قمشهای، مهدی. ۱۳۸۵ش، **ترجمه قرآن کریم**، قم: دار الثقلین.
ایزوتسو، توشیهیکو. ۱۳۹۱ش، **خدا و انسان در قرآن**، ترجمه احمد آرام، تهران: مؤسسه تحقیقاتی و فرهنگی و زبان شناسی.

پالمر، فرانک. **بی تا، نگاهی تازه به معناشناسی**، ترجمه کورش صفوی، چاپ ششم، تهران: نشر مرکز.
دانیل، چندلر. ۱۳۸۷ش، **مبانی نشانه شناسی**، ترجمه مهدی پارسا، قم: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.

راسخ مهند، محمد. ۱۳۸۹ش، **درآمدی بر زبان شناسی شناختی**، نظریه ها و مفاهیم، تهران: سمت.
روشن، بلقیس و لیلا اردبیلی. ۱۳۹۵ش، **مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی**، چاپ دوم، تهران: علم.
سیدی، سید حسین. ۱۳۹۰ش، **تغییر معنایی در قرآن**، چاپ اول، تهران: سخن.

صفوی، کورش. ۱۳۷۹ش، **درآمدی بر معناشناسی**، تهران: سروش.
قانع، علی. ۱۳۸۶ش، **تناسب آیات**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
قائم‌نیا، علیرضا. ۱۳۹۰ش، **معناشناسی شناختی قرآن**، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قزائتی، محسن. ۱۳۸۳ش، **تفسیر نور**، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
نیلی پور، رضا. ۱۳۹۴ش، **زبان شناسی شناختی**، دومین انقلاب معرفت شناختی در زبان شناسی، تهران: هرمس.

مقالات

امانی، بهرام و سارا نجفی. ۱۳۹۶ش، «**معناشناسی تاریخی و توصیفی شعوب در قرآن کریم**»،
دوفصلنامه پژوهش‌های شناختی قرآن، سال ششم، شماره دوم.
حسینی، جواد. ۱۳۹۱ش، «**تناسب اسماء حسناى الهی با محتوای آیات سوره نساء**»، پایان نامه
کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات قم.

درزی، قاسم و احمد پاکتچی و احد فرامرز قراملکی. ۱۳۹۵ش، «الزامات روش شناختی مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم بررسی نمونه محور آثار مرتبط با معناشناسی»، مجله مطالعات قرآن و حدیث، دوره ۱۰، شماره ۱۹.

سجادی، سید ابوالفضل و سحر محبی. ۱۳۹۱ش، «معناشناسی تاریخی و توصیفی واژه سبیل در قرآن کریم»، فصلنامه تخصصی تفسیر، علوم قرآن و حدیث، سال چهارم، شماره پانزدهم.
عباسی، زینب. ۱۳۹۰ش، «معناشناسی تاریخی و توصیفی واژه امامت در قرآن»، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی غلامحسین اعرابی و مشاوره: جعفر نکونام، دانشکده الهیات دانشگاه قم.
علی خواجه، شعیب. ۱۳۹۵ش، «تناسب اسماء و صفات الهی با بافت و سیاق آیات قرآن کریم»، مطالعه موردی سوره احزاب، رساله دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی فردوسی مشهد.
فتاحی زاده، فتحیه و معصومه شیردل. ۱۳۹۷ش، «معناشناسی توصیفی در تفسیر آیات قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال نهم، شماره ۳۴.

قائمی نیا، علیرضا. ۱۳۸۶ش، «زبان شناسی شناختی و مطالعات قرآنی»، مجله ذهن، شماره ۳۰، صص ۲۶-۳.

ممی پور، فهیمه. ۱۳۹۳ش، «تناسب محتوایی درونی هر آیه، با تأکید بر بخش‌های پایانی آن در سوره مائده»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
نکونام، جعفر و محمد معظمی گودرزی. ۱۳۹۲ش، «معناشناسی تاریخی و توصیفی «عدن» در قرآن کریم»، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهارم و شش، شماره دوم.
نویخت، محسن. ۱۳۹۴ش، «تحلیل نشانه شناختی مجاز و نقش آن در انسجام و پیوستگی متن»، رساله دکترای زبان شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Bibliography

Holy Quran

Abu Zayd, Nasr Hamed. 2010, the meaning of the text, translated by Morteza Kariminia, Tehran: New Design.

Afrashi, Azita. 2016, Fundamentals of Cognitive Semantics, First Edition, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.

Elahi Ghomshei, Mahdi. 2006, translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Thaqalin.

Izutsu, Toshihiko. 2012, God and Man in the Quran, translated by Ahmad Aram, Tehran: Research, Cultural and Linguistic Institute.

Palmer, Frank. A New Look at Semantics, translated by Kouros Safavid, sixth edition, Tehran: Markaz Publishing.

Daniel, Chandler. 2008, Fundamentals of Semiotics, translated by Mehdi Parsa, Qom: Research Institute of Islamic Culture and Art.

Rasek Mohammad, Mohammad 2010, Introduction to Cognitive Linguistics, Theories and Concepts, Tehran: Samt Pub.

- Roshan, Belqis and Leila Ardabili. 2016, Introduction to Cognitive Semantics, Second Edition, Tehran: Alam.
- Sidi, Syed Hussein 1390, semantic change in the Quran, first edition, Tehran: Sokhan.
- Safavid, Cyrus. 2000, Introduction to Semantics, Tehran: Soroush.
- Ghani, Ali. 2007, Proportion of Verses, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Ghaemi Nia, Alireza. 2011, Cognitive Semantics of the Quran, First Edition, Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought.
- Qaraati, Mohsen 2004, Tafsir Noor, 11th edition, Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran.
- Nilipour, Reza 2015, Cognitive Linguistics, The Second Epistemological Revolution in Linguistics, Tehran: Hermes.

Articles

- Amani, Bahram and Sara Najafi. 1396, "Historical and descriptive semantics of branches in the Holy Quran", Bi-Quarterly Journal of Quranic Cognitive Research, Year 6, Number 2.
- Hosseini, Javad 2012, "Proportion of the names of divine beauty with the content of the verses of Nisa Surah ", Master's thesis, Qom Faculty of Theology.
- Darzi, Qasem and Ahmad Paktachi and Ahad Faramarz Gharamaleki. 2016, "Methodological requirements for interdisciplinary studies of the Holy Quran, a sample-oriented study of works related to semantics", Journal of Quran and Hadith Studies, Volume 10, Number 19.
- Sajjadi, Seyed Abolfazl and Sahar Mohebbi. 2012, "Historical and descriptive semantics of the word mustache in the Holy Quran", Specialized Quarterly of Tafsir, Quranic and Hadith Sciences, Fourth Year, Fifteenth Issue.
- Abbasi, Zainab 1390, "Historical and descriptive semantics of the word Imamate in the Qur'an", master's thesis, under the guidance of Gholam Hossein Arabi and counseling: Jafar Nekounam, Faculty of Theology, Qom University.
- Ali Khajeh, Shoaib 2016, "Proportion of Divine Names and Attributes with the Text and Context of the Verses of the Holy Quran", Case Study of Al-Ahzab Surah, PhD Thesis, Ferdowsi Faculty of Literature and Humanities, Mashhad.
- Fattahizadeh, Fathieh and Masoumeh Shirdel. 1397, "Descriptive semantics in the interpretation of verses of the Holy Quran", Quarterly Journal of Interpretive Studies, Year 9, No. 34.
- Ghaemi Nia, Alireza. 2007, "Cognitive Linguistics and Quranic Studies", Journal of Mind, No. 30, pp. 3-26.
- Mamipour, Fahima. 2014, "The internal content of each verse, with emphasis on its final sections in Ma'idah Surah ", Master Thesis, Faculty of Theology, Shahid Madani University of Azerbaijan.
- Nekounam, Jafar and Mohammad Moazami Goodarzi. 1392, "Historical and descriptive semantics of" Aden "in the Holy Quran", Journal of Quran and Hadith Research, Year Forty-six, Second Issue.
- Nobakht, Mohsen 1394, "Authorized semiotic analysis and its role in text coherence and coherence", PhD thesis in General Linguistics, Institute of Humanities and Cultural Studies.

Semantics of the Interpretation of "La'alakom + verb" in Verses of Holy Quran based on Langacker's Theory

Zohreh Qorbani madavani: Assistant Professor, Faculty of Arabic Language & Literature, Allameh Tabatabaei University, Tehran

Abstract

Cognitive linguistics believes that language directly reflects the speaker's conceptualization of situations. As one of the theorists of cognitive linguistics, Langacker states that based on three principles, importance, accuracy and perspective, different interpretations of the speaker can be processed. There are many such interpretations in the Holy Quran. In fact, the various interpretations used in the verses of the Qur'an play a very important role cognitively and have a special meaning. One of those interpretations is the interpretation of "La'l + verb". In fact, this interpretation tells us which of the linguistic elements of those verses is of special importance. Therefore, this article intends to examine the verses that contain this interpretation with the help of this theory and based on the descriptive-analytical method. The results of this study showed that the verbs in the interpretation of "La'l + verb" were more important to God than other elements and were highlighted among other linguistic elements to attract the reader's attention.

Keywords: Langacker, La'l letter, verb, combination.